

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۴/۱۸

موضوع: مباحثی پیرامون حکم بغض نسبت به امیرالمؤمنین در کتب مسلمانان

برنامه جبل المتین

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين إنه خير ناصر و معين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل و فرجهم

سلام و درود و ارادت به پیشگاه مهربان و باصفای شما مردم عزیز و بینندگان خوب و دوست داشتنی «شیکه جهانی ولایت». الهی شکر که امشب هم توفیق پیدا کردیم با برنامه زنده «جبل المتین» در خدمت شما باشیم. بهترین درودها و سلامهای خودمان را تقدیم حضور شما می‌کنیم؛ الهی دلتان خوش باشد، غم و غصه‌ای در زندگیتان نباشد و همیشه در پرتو انوار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) زندگیتان پر از نور و معنویت باشد.

امشب دو مناسبت داریم؛ شب شهادت غریبانه و مظلومانه عموی پیامبر حضرت حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) همزمان با واقعه جنگ احد هست و همچنین فردا وفات حضرت سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی از نوادگان امام حسن مجتبی (علیه السلام) است.

انشاءالله خداوند متعال توفیق شناخت معرفت این بزرگواران را به همه ما عنایت کند و مردمی که در ایران اسلامی هستند توفیق زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی هم نصیبشان شود.

در روایت وارد شده کسی که حضرت عبدالعظیم حسنی را در ری زیارت کند مانند کسی است که امام حسین (علیه السلام) را در کربلا زیارت کرده است.

ان شاء الله خداوند متعال توفیق حج و زیارت مدینه النبی را به همه شما عنایت کند و آنجا بر سر مزار حضرت حمزه سیدالشهدا و شهدای احد مشرف شوید و در آنجا عرض ادب و احترام کنید.

به روح همه شهدای بزرگوار اسلام به ویژه این دو شخصیت بزرگ جهان اسلام حضرت حمزه سیدالشهدا و حضرت عبدالعظیم حسنی درود و سلام می فرستیم.

ما آماده هستیم که امشب در برنامه زنده «حبل المتین» پیام‌های شما را دریافت کنیم. «۳۰۰۰۱۲۰۳» سامانه پیام کوتاه ماست که در اختیار شما قرار دارد و دوستانی که در ایران اسلامی زندگی می‌کنند می‌توانند از این طریق به ما پیام بدهند.

شماره تلفن همراهی برای شما زیرنویس شده و در طول برنامه بازهم نمایش داده می‌شود؛ شما می‌توانید این شماره را در گوشی تلفن همراه خود ذخیره کنید و در فضای مجازی از طریق برنامه‌های واتس آپ، تلگرام و وایبر پیام‌های خودتان را به ما انتقال بدهید.

شما می‌توانید امشب در مورد این دو مناسبت به ما پیام بدهید. همچنین موضوعی که طبق معمول هفته‌های گذشته در خدمت شما بودیم هم در اختیار شما قرار دارد.

اگر در ذهن شریفتان باشد ما در برنامه گفته بودیم عزیزانمان، بینندگان خوبمان مخصوصاً غنچه‌های ولایت روی خط ارتباطی ما بیایند و مطالبی در بحث مشروعیت توسل از نگاه قرآن، سنت و سیره صحابه را در پنج دقیقه به صورت مختصر و مفید بیان کنند.

ان شاء الله ما به زودی قرعه کشی خواهیم کرد و از مجموع کسانی که در این برنامه و برنامه‌های شبهاتی «شبکه جهانی ولایت» که این تایم تقدیم حضور شما می‌شود شرکت کنند جوایزی اهدا خواهد شد.

به پنج نفر اول پنج سکه تمام بهار آزادی، به پنج نفر دوم پنج نیم سکه تمام بهار آزادی و به پنج نفر سوم پنج ربع سکه تمام بهار آزادی تقدیم خواهد شد.

همانند مسابقه گذشته که عزیزانمان روی خط ارتباطی می‌آمدند و بحث ولایت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را از قرآن و سنت ثابت می‌کردند الآن بحث توسل مطرح شده است.

بحث توسل بسیار مهم است و لازم است که امروزه همه ما نسبت به این موضوع توجه داشته باشیم؛ به ویژه که دشمنان و وهابیت و سلفی‌ها به دنبال شبهه‌افکنی هستند.

عزیزان بیننده ما مشروعیت توسل از نگاه قرآن، سنت پیامبر، سیره صحابه و نبی گرامی اسلام را در پنج دقیقه برای ما بفرمایید.

امشب هم در برنامه زنده «حبل المتین» توفیق داریم در محضر استاد عزیزمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم. جناب استاد سلام علیکم و حمة الله، خوش آمدید:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و آرزوی موفقیت بیش از پیش برای همه گرامیان دارم.

سالروز شهادت جانسوز حضرت حمزه سیدالشهدا و شصت و نه یار دیگر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در غزوه احد را به پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا له الفداه) و شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

سالروز وفات حضرت عبدالعظیم حسنی که زیارتش معادل زیارت حضرت سیدالشهداء است را خدمت شما تسلیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی حضرت حمزه سیدالشهداء و دیگر جانبازان در کنار آن قسم می‌دهم فرج مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم را نزدیک نموده و همه ما را از یاران باوفا، سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی این بزرگواران حوائج ما و شما را برآورده کند، دغدغه‌های فکری همه ما و شما را برطرف سازد و دعا‌های ما را به اجابت مقرون کند؛ ان شاءالله.

مجری:

ان شاءالله؛ استاد خیلی ممنونم و از شما تشکر می‌کنم. با توجه به مناسبتی که امشب داریم حق بر این است که از واقعه غزوه احد و شهادت حضرت حمزه سیدالشهداء یاد کنیم.

استاد برای شروع چند دقیقه‌ای از هر بُعدی که صلاح می‌دانید به این موضوع بپردازید و مطالبی را بفرمایید تا ان شاءالله موضوع هفته‌های گذشته خود را ادامه دهیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله

افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر رب أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق و أجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا

حضرت حمزه (علیه السلام) اسامی متعددی از جمله سیدالشهداء، آسَد الله و آسَد الرسول ملقب شده و کنیه او «ابو عماره» و «ابو یعلی» است.

مادر آن بزرگوار «هاله» دختر «وهیب» دختر عموی حضرت آمنه مادر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

حضرت حمزه عموی رسول اکرم و برادر رضاعی آن بزرگوار بود، زیرا پیغمبر اکرم و حضرت حمزه هردو از خانمی به نام «ثویبه» شیر خوردند. حمزه سیدالشهداء در سال دوم بعثت اسلام آوردند و مصداق بارز آیه شریفه:

(وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ)

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و آنها که به نیکی از آنها پیروی کردند.

سوره توبه (۹): آیه ۱۰۰

هستند. با اسلام حضرت حمزه قلب مطهر رسول گرامی اسلام تقویت پیدا کرد، زیرا در قدرت و شجاعت زبانزد خاص و عام بودند.

قریش علیه نبی گرامی اسلام نقشه‌های زیادی کشیده بودند، اما با مسلمان شدن حضرت حمزه تمام نقشه‌ها نقش بر آب شد و دشمنان از ترس حضرت حمزه نتوانستند بسیاری از نقشه‌های خود را علیه رسول گرامی اسلام پیاده کنند.

حضرت حمزه در سال هجرت جزو اولین کسانی بود که با رسول گرامی اسلام به مدینه منوره هجرت فرمود و در جنگ‌ها پیشتاز بود. ایشان در جنگ بدر و جنگ احد با دو شمشیر می‌جنگید.

مجری:

استاد حضرت حمزه چه سالی ایمان آوردند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سال دوم بعثت. در جنگ احد که اکثریت صحابه فرار کردند و جزو چهار نفر کسی دیگری باقی نماند، حمزه سیدالشهدا جزو کسانی بود که گرداگرد رسول گرامی اسلام پروانه‌وار می‌چرخید و خون خود را در راه اسلام و پیغمبر اکرم هدیه کرد.

در منابع ما روایات زیادی در فضیلت حمزه سیدالشهدا وارد شده است. اگر ما بخواهیم به روایاتی که از پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین، امام حسین، امام سجاد، امام باقر و سایر ائمه اطهار بیان کنیم شاید این مبحث چندین جلسه به طول بینجامد.

ائمه معصومین (علیهم السلام) روایات زیادی در خصوص حضرت حمزه دارند. بنده تنها به یک یا دو مورد روایتی که از نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در خصوص آن بزرگوار بیان شده اشاره می‌کنم.

مرحوم «شیخ صدوق» در کتاب «کمال الدین» جلد اول صفحه ۲۶۴ روایتی را نقل می‌کند. در این روایت وارد شده که نبی گرامی اسلام در حال احتضار بودند که حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شروع به گریه کردند.

رسول گرامی اسلام به آن بزرگوار فرمودند: گریه نکن، زیرا ما اهل‌بیتی هستیم که آخرت عالم آخرت را برای ما انتخاب کرده نه دنیا. خداوند عالم شش ویژگی و صفت به ما داده که به احدی نداده است.

پیغمبر اکرم در ادامه فرمودند: پدر تو سید الانبیاء است و غیر از من کسی سید الانبیاء نیست. همسر تو سید الأوصیاء است و این ویژگی تنها خاص ما اهل بیت است. شهید ما سید الشهداء است و آن هم حمزه بن عبدالمطلب عموی پدر توست.

مجری:

استاد لقب سیدالشهداء را چه کسی به حمزه بن عبدالمطلب داد؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

پیغمبر اکرم خود این لقب را به آن بزرگوار دادند. جالب اینجاست که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمودند:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ قُتِلُوا مَعَهُ»

یا رسول الله! او سید شهیدانی است که با شما در جنگ شهید شده است؟

«قَالَ لَا بَلْ سَيِّدُ شُهَدَاءِ الْأُولَىٰ وَ الْأَخِرِينَ مَا خَلَا الْأَنْبِيَاءَ وَ الْأَوْصِيَاءَ»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱،

ص ۲۶۴، ح ۱۰

طبق فرمایش رسول گرامی اسلام حمزه سید شهیدان اولین و آخرین است. البته امام حسین (علیه السلام) از این قاعده مستثنی هستند، زیرا آن بزرگوار معصوم و امام هستند. در میان غیر امامان حضرت حمزه (سلام الله علیها) سید شهیدان اولین و آخرین هستند.

روایت دوم در کتاب «أمالی» اثر «شیخ صدوق» وارد شده است. رسول گرامی اسلام فرمودند: ما فرزندان عبدالمطلب سادات اهل بهشت هستیم.

فرزندان عبدالمطلب بزرگوارانی از جمله رسول گرامی اسلام، حضرت حمزه سیدالشهدا، «جعفر طیار» که با دو بال خود در بهشت پرواز می‌کند، حضرت امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، امام حسن، امام حسین و آخرین این بزرگواران حضرت مهدی است.

در روایت دیگری وارد شده است که رسول گرامی اسلام فرمودند:

«أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ أَحَبُّ أَعْمَامِي إِلَى حَمْزَةَ»

محبوبترین برادرانم نزد من علی بن ابی طالب و محبوبترین عموهایم حمزه سیدالشهداست.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲۲،

ص ۲۲۵، ح ۲۳

«مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد ۶ صفحه ۱۹ روایتی را نقل می‌کند که مردی خدمت رسول گرامی اسلام آمد و عرضه داشت: یا رسول الله! خداوند به من فرزندی عطا کرده است و می‌خواهم نامی برای او معین کنم. پیغمبر اکرم فرمودند:

«سَمِّهِ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَى حَمْزَةَ»

او را هم نام محبوبترین اسامی نزد من حمزه بگذار.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۶،

ص ۱۹، ح ۹

نکته ظریفی در اینجا بیان شده است که نام مبارک حمزه سیدالشهدا به عنوان نزدیک‌ترین اسم بر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان شده است.

همچنین در رابطه با قضیه جنگ احد سخن فراوان است. ابتدای امر قریش ده هزار نفر جمع کرده بودند و به جنگ با رسول گرامی اسلام آمدند تا کار اسلام را تمام کنند و دیگر راحت شوند.

زمانی که این افراد در منطقه احد قرار گرفتند، تعدادی از رزمندگان نامی قریش به جنگ با اسلام آمدند و رجزخوانی کردند. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در پی رجزخوانی‌ها به میدان آمد.

امیرالمؤمنین در مقابل افرادی که برای نشان دادن خود، تمام کردن کار اسلام و انتقام گرفتن جنگ بدر آمده بودند، قرار گرفت.

پس از این ماجرا فرزندان «طلحه» که جزو قدرتمندان قریش و جمعاً نه نفر بودند و از قبیله «بنی عهد الدار» آمده بودند یکی پس از دیگری مبارز طلبیدند و همگی به شمشیر امیرالمؤمنین به درک واصل شدند.

زمانی که این نه نفر شخصیت شجاع و برجسته قریش به دست امیرالمؤمنین به خاک مذلت افتادند، قریش وسایل خود را گذاشتند و پا به فرار گذاشتند. به بیان بهتر در ابتدای امر و قبل از آغاز جنگ نه نفر از پهلوانان قریش به دست امیرالمؤمنین به درک واصل شدند.

زمانی که این افراد فرار کردند، اموالشان باقی ماند و مسلمانان شروع به تقسیم اموال و غنایم جنگی کردند.

افرادی از سپاه اسلام بالای گردنه احد بودند که رسول گرامی اسلام به آن‌ها دستور داده بود اگر پرنندگان ما را تکه تکه هم کردند از جایتان تکان نخورید، اما متأسفانه این افراد به فکر غنایم افتادند و برای جمع کردن غنایم آمدند.

از طرف دیگر زمانی که «خالد بن ولید» فرمانده سپاه قریش مشاهده کرد سپاهیان اسلام مشغول جمع کردن غنایم جنگی است و گردنه احد از نیروهای جنگی خالی است شروع به حمله کردند.

پس از حمله سپاه قریش حدود ۷۰ نفر از مسلمانان شهید شدند و تعدادی از صحابه فرار کردند. هجوم سپاه قریش سبب شد تا دندان و پیشانی مبارک رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بشکند.

قضایا بسیار دردآور است؛ بنده تنها عبارتی از کتاب «صحیح بخاری» بیاورم تا عزیزان مقداری بیشتر دقت کنند. در این کتاب وارد شده است که پیغمبر اکرم ۵۰ نفر را بر بالای گردنه احد گذاشته بودند و فرمودند: اگر مشاهده کردید که پرنندگان ما را تکه تکه کردند هم از جایتان تکان نخورید. اصحاب بعد از فرار کردن سپاه قریش گفتند:

«الْغَنِيمَةَ أَيْ قَوْمِ الْغَنِيمَةِ»

«عبدالله بن جبیر» که فرمانده سپاه بود فرمایش رسول گرامی اسلام را به سپاهیان گوشزد کردند، اما آنها گوش نکردند و به دنبال جمع کردن غنایم رفتند. بعد از آن حمله سپاه «خالد بن ولید» سبب شد که مسلمانان فرار کنند و تعدادی از آنها شهید شوند؛

«فَلَمْ يَبْقَ مَعَ النَّبِيِّ غَيْرُ اثْنَيْ عَشَرَ رَجُلًا فَأَصَابُوا مِنَّا سَبْعِينَ»

جز دوازده نفر با پیغمبر اکرم باقی نماندند و همه به بالای کوه فرار کردند.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۳، ص

۱۱۰۵، ح ۲۸۷۴

در این میان منادی ندا می‌کرد که پیغمبر اکرم کشته شده است که قضایای مفصلی دارد. همچنین در کتاب «صحیح بخاری» روایت دیگری وارد شده است که به نکته ظریفی اشاره می‌کند و می‌گوید:

«فلما كان يومُ أُحُدٍ وَانْكَشَفَ الْمُسْلِمُونَ»

رسول گرامی اسلام فرمودند:

«اللهم إني أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِمَّا صَنَعَ هَؤُلَاءِ يَغْنِي أَصْحَابَهُ»

خدایا من از کاری که صحابه کردند پوزش می‌طلبم.

«وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِمَّا صَنَعَ هَؤُلَاءِ يَغْنِي الْمُشْرِكِينَ»

خدایا من از کاری که مشرکین کردند بیزار می‌جویم.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص

١٠٣٢، ح ٢٦٥١

در رابطه با شهادت حضرت حمزه سیدالشهدا روایاتی وارد شده است که تقاضا دارم عزیزان خوب دقت کنند. در

کتاب «مسند احمد بن حنبل» جلد دوم وارد شده است زمانی که لشکر اسلام از احد برگشتند:

«فَجَعَلَتْ نِسَاءُ الْأَنْصَارِ يَبْكِينَ عَلَى مَنْ قُتِلَ مِنْ أَزْوَاجِهِنَّ»

زنان انصار برای شهادت همسرانشان گریه می‌کردند.

«قال فقال رسول الله ﷺ وَلَكِنْ حَمْزَةٌ لَا بَوَاقِي لَهَا»

رسول الله فرمودند: حمزه گریه کن ندارد.

«قال ثُمَّ نَامَ فَاسْتَنْبَهَ وَهَنَّ يَبْكِينَ»

راوی می‌گوید: پیغمبر اکرم استراحت کردند و زمانی که بیدار شدند، مشاهده کردند که زنان جلوی در خانه حمزه سیدالشهدا آمدند و گریه می‌کنند.

«قال فَهِنَّ الْيَوْمَ إِذَا يَبْكِينَ يَنْدُبْنَ بِحَمْزَةٍ»

راوی می‌گوید: تا امروز افرادی که بخوانند برای عزیزشان گریه کنند اول برای حمزه گریه می‌کنند، سپس برای عزیزان خود گریه می‌کنند.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۲، ص ۴۰، ح ۴۹۸۴

«شعيب الأرنؤوط» در این کتاب جلد ۹ صفحه ۳۸ می‌گوید: روایت معتبر است. همچنین در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد اول صفحه ۵۳۸ همین قضایا وارد شده است و راوی می‌گوید: تا امروز هرکسی بخواند برای عزیز خود گریه کند اول برای حمزه گریه می‌کند، زیرا:

«فقال لكن حمزة لا بواکی له»

پیغمبر اکرم فرمودند: حمزه گریه کن ندارد.

«یا ویلهن إنهن لها هنا حتی الآن مروهن فلیرجعن ولا یبکین علی هالک بعد الیوم»

زنان مدینه برای مردگانشان گریه نمی‌کنند مگر بعد از اینکه برای حمزه گریه کنند و این رسم تا امروز باقی مانده است.

«حاکم نیشابوری» در مورد سند این روایت می‌گوید:

«صحیح علی شرط مسلم ولم یخرجاه»

این حدیث به شرط مسلم صحیح است و مشهورترین حدیث مدینه است.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۲۱۵، ح ۴۸۸۳

آقای «ذهبی» هم در پاورقی می‌گوید:

«علی شرط مسلم»

عبارت پاورقی یافت نشد

در پایان خدا را قسم می‌دهیم به آبروی حضرت حمزه سیدالشهدا فرج مولای ما بقیة الله الأعظم را نزدیک کند.
رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنماید.

خدایا گرفتاری‌های مورد نظر و گرفتاران مورد نظر را به آبروی حمزه سیدالشهدا برطرف کند. حوائج ما و شما را
برآورده کند؛ ان شاءالله.

مجری:

حمزه که جان عالم و آدم فدای او

لب باز می‌کنم که بگویم رثای او

مردی که در شجاعت و هیبت نمونه بود

در غیرت و شکوه و شهامت نمونه بود

شیر خدا و شیر نبی، فارس العرب

در انتهای جاده مردانگی، ادب

شب‌های مکه شاهد جود و کرامتش

گل داشت با شانه او از سخاوتش

او صاحب تمام صفات حمیده بود

دل را به نور حضرت حق پروریده بود

الگوی اهل سرّ و یقین بود طاعتش

یعنی زبانزد همه می‌شد عبادتش

در آسمان مکه دل‌ها ستاره بود

بر قلب‌های خسته امیدی دوباره بود

سلام خدا بر حمزه سیدالشهداء، همه جا یاور رسول الله، حیدر دیگر رسول الله!! ان شاء الله همه ما مورد شفاعت حضرت حمزه سیدالشهداء قرار بگیریم.

امشب که شب شهادت غریبانه و مظلومانه یار باوفای پیامبر، عموی نازنین پیامبر، سیدالشهدا حضرت حمزه است؛ ان شاء الله لطف و کرم حضرت حق نصیب همه ما شود.

عرض تسلیت و تعزیت به پیشگاه مولایمان امام زمان (ارواحنا له الفداه) و خدمت همه شما عاشقان و شیفتگان آن حضرت. امشب همچنین شب رحلت حضرت عبدالعظیم حسنی سید الکریم است؛ باز هم عرض تسلیت داریم.

خیلی خوشحال می‌شویم عزیزانی که در شهر ری در همجواری حضرت عبدالعظیم حسنی ساکن هستند امشب برای ما پیام بدهند. اگر امشب به زیارت رفتند یا قرار هست به زیارت بروند ببینیم که امشب اهالی شهر ری چه می‌کنند.

ما دوست داریم ببینیم دوستانی که در شهر ری بیننده «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «حبل المتین» هستند امشب به صورت ویژه برای ما پیام بدهند.

عزیزان و اهالی شهر ری همین الان گوشی تلفن همراه را بردارند و از طریق سامانه پیام کوتاه ما «۳۰۰۰۱۲۰۳» یا از طریق فضای مجازی با برنامه‌های واتس آپ، تلگرام و وایبر برای ما پیام بدهند، اسم و فامیل خود را بگویند.

ما امشب می‌خواهیم به صورت ویژه یاد کنیم از بینندگان که در همجواری حضرت عبدالعظیم حسنی هستند. ما هر هفته در برنامه زنده «حبل المتین» بحثی را ادامه می‌دادیم و تقدیم می‌کردیم که امشب می‌خواهیم پیگیری کنیم.

بنده قبل از اینکه وارد بحث بشوم یادآوری می‌کنم در بخشی که در خدمت عزیزان هستیم و تلفن خواهیم داشت بزرگواران و غنچه‌های ولایت در هر سن و سالی که هستند می‌توانند روی خط ارتباطی ما بیایند و در ۵ دقیقه بحث مشروعیت توسل را بیان کنند.

مشروعیت توسل باید از قرآن، سنت و سیره صحابه بیان شود. همان‌طور که بیان کردیم در مجموع به ۱۵ نفر از برگزیدگان هدایایی تقدیم خواهد شد.

جناب استاد در برنامه‌های گذشته در مورد بغض و سب نسبت به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مطالبی را بیان کردید. «ابن تیمیه» که بزرگ و سرکرده وهابیت است به صراحت می‌گوید که بسیاری از صحابه بغض امیرالمؤمنین را در دل داشتند.

ما می‌خواهیم با توجه به ادعا و حرف این شخص حکم بغض نسبت به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در سنت پیامبر چیست!!

موضوع: حکم بغض صحابه نسبت به امیرالمؤمنین با استناد به کتب اهل سنت

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین

همان‌طور که حضرتعالی هم اشاره کردید «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد هفتم صفحه ۱۳۷ به صراحت اعلام می‌کند:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعین كانوا یبغضونه و یسبونہ و یقاتلونه»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی را در دل داشتند و او را سب می‌کردند و با او به قتال می‌پرداختند.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۳۷، فصل قال الرافضی البرهان

الثانی عشر جلد هفتم صفحه ۱۳۷

ما در اینجا به تمام عزیزان اهل سنت، وهابیت و حتی کسانی که خود را مدافع صحابه می‌دانند عرض کردیم که به میدان بیایند و از نسبتی که «ابن تیمیه» به صحابه می‌دهند دفاع کنند.

اگر «ابن تیمیه» دروغ می‌گوید مدافعین صحابه بیایند و بگویند نسبتی که «ابن تیمیه» به بسیاری از صحابه و تابعین می‌دهد دروغ است و ما حرف او را قبول نداریم!!

همچنین اگر «ابن تیمیه» راست می‌گوید و نستجیر بالله صحابه بغض امیرالمؤمنین را در دل داشتند به ما بگویند کسی که بغض علی بن ابی طالب را در دل داشته باشد چه حکمی دارد؟!

آیا می‌توانیم از طرفی بگوییم بسیاری از صحابه بغض امیرالمؤمنین را در دل داشتند و از طرف دیگر هم بگوییم قطعاً همگی صحابه اهل بهشتند و قطعاً بدون هیچ شکی همگی عادل هستند؟!

ما در این مبحث مطالب زیادی را بیان کردیم، اما تنها می‌خواهیم ببینیم از دیدگاه منابع اهل سنت و سنت نبی گرامی اسلام حکم کسی که بغض امیرالمؤمنین را در دل داشته باشد چیست!!

ما در مقام جواب این سؤال به سراغ کتاب «صحیح مسلم» می‌رویم. در این کتاب حدیث ۷۸ وارد شده است:

«وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنَّهُ لَعَهْدُ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ ؑ إِلَى أَنْ لَا يَجِبَنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغِضَنِي إِلَّا مُنَافِقٌ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۱، ص ۸۶، ح ۷۸

این روایت به صراحت بیان می‌کند کسی که امیرالمؤمنین را دشمن بدارد و بغض آن بزرگوار را در دل داشته باشد منافق است. عزیزان اهل سنت می‌توانند در این زمینه اظهارنظر کنند. «ابن تیمیه» از یک طرف می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونهم»

و از طرف دیگر «مسلم» می‌گوید:

«لَا يَجِبَنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغِضَنِي إِلَّا مُنَافِقٌ»

دوستان می‌توانند به کتاب «منهاج السنة النبویة» اثر «ابن تیمیه» جلد ۷ صفحه ۱۵۹ مراجعه کنند تا مشاهده کنند چه توجیه نادرست و احمقانه‌ای در رابطه با این حدیث وارد شده است.

البته بنده نمی‌خواهم ذهن مخاطبین عزیز و بینندگان گرامی با عبارتهای نادرست «ابن تیمیه» آشفته شود. نمونه‌ای از حرف‌های او این است که هیچکدام از صحابه چنین ادعایی نداشتند که بغض امیرالمؤمنین نشانه نفاق است.

در کتاب «تفسیر قرطبی» با تحقیق «دکتر ترکی» یکی از شخصیت‌های برجسته عربستان سعودی جلد اول صفحه ۲۶۷ وارد شده است:

«ولهذا ما روی عن جماعة من الصحابة أنهم قالوا: ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله e إلا ببغضهم لعلی علیه السلام»

روایت شده است که گروهی از صحابه گفتند: ما صحابه همواره منافقین را در زمان پیغمبر اکرم با بغض علی (علیه السلام) می‌شناختیم.

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج ۱، ص ۲۶۷، باب البقرة: (۳۰) وإذ قال ربك... ..

آیا روایت از این واضح‌تر و روشن‌تر بیاوریم؟! همچنین آقای «آلوسی» در کتاب «تفسیر روح المعانی» جلد ۲۶ صفحه ۷۸ از «ابن مردویه» از قول «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند:

«ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم إلا ببغضهم على بن أبي طالب»

ما صحابه همواره منافقین را در زمان پیغمبر اکرم با بغض علی (علیه السلام) می‌شناختیم.

«وأخرج هو وابن عساكر عن أبي سعيد الخدري ما يؤيده»

این روایت از قول ابن عساکر به نقل از ابو سعید خدری نقل شده است آنچه را که روایت عبدالله بن مسعود را تأیید می‌کند.

این روایت از قول «آلوسی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت که سلفی العقیده بوده است، جزو متأخرین بوده و متوفای ۱۲۷۰ هجری است مطرح شده است؛ همو که می‌گوید:

«وعندی أن بغضه رضی الله تعالی من أقوى علامات النفاق»

بغض علی بن ابی طالب (علیه السلام) از قوی‌ترین نشانه‌های نفاق است.

«فإن أمنت بذلك فيأليت شعری ماذا تقول فی یزید الطرید»

اگر به این حرف من ایمان آورده است در رابطه با یزید رانده شده که آیا علی را دوست داشت یا دشمن داشت.

«أكان يحب عليا كرم الله تعالى وجهه أم كان يبغضه ولا أظنك في مرية من أنه عليه اللعنة»

گمان نمی‌کنم کسی شک داشته باشد بر اینکه او به لعنت خداوند متعال گرفتار شود.

«كان يبغضه رضی الله تعالی عنه أشد البغض وكذا يبغض ولديه الحسن والحسين علی جدهما وأبويهما وعليهما الصلاة والسلام»

علی را با شدیدترین نحو ممکن دشمن داشت و فرزندان او حسن و حسین را هم همانند جد و پدرشان (علیهما السلام) دشمن داشت.

«كما تدل علی ذلك الآثار المتواترة»

این حدیث از احادیث متواتر است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۲۶، ص ۷۸، باب محمد: (۳۰) ولو نشاء لأریناکهم... ..

مطلب بسیار واضح و روشن است. آقای «بوصیری» در کتاب «إتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشرة» جلد هفتم صفحه ۲۰۲ بحث مفصلی پیرامون شخصیت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می آورد، سپس در انتها می گوید:

«وَمَنْ مَاتَ يَنْغُضُكَ مَاتَ مِيثَةً جَاهِلِيَّةً»

یا علی هرکسی با بغض تو بمیرد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

الکتاب: إتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشرة، المؤلف: أبو العباس شهاب الدین أحمد بن أبی بکر بن إسماعیل بن سلیم بن قایماز بن عثمان البوصیری الکنانی الشافعی (المتوفی: ۸۴۰ هـ)، تقدیم: فضیلة الشیخ الدكتور أحمد معبد عبد الکریم، المحقق: دار المشکاة للبحث العلمی بإشراف أبو تمیم یاسر بن إبراهیم، دار النشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م، ج ۷، ص ۲۰۲، ح ۶۶۷۲

این روایت از «ابو یعلی» نقل شده است و راویان آن همگی ثقه هستند. همچنین در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد سوم وارد شده است:

«یا علی أنت سید فی الدنیا سید فی الآخرة»

یا علی تو سرور دنیا و سرور آخرت هستی.

«حبیبک حبیبی وحبیبی حبیب الله»

دوست تو دوست من است و دوست من هم دوست خداست.

«وعدوك عدوى وعدوى عدو الله»

دشمن تو دشمن من است و دشمن من دشمن خداست.

«والويل لمن أبغضك بعدى»

وای بر کسانی که بعد از من بغض تو را دارند.

آقایان اهل سنت روایت «ابن تیمیه» که می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونهم و يقاتلونهم»

را با توجه به این روایت توجیه کنند و بر دهان «ابن تیمیه» بگویند!! چند تن از بنی امیه از قبیل: «معاویه»، «عمرو عاص» و دیگران امیرالمؤمنین را دشمن می‌دارند و این نشانگر این است که از کوزه برون همان تراود که در اوست!!

ما اصلاً این افراد را صحابه نمی‌دانیم، چه برسد به اینکه بگوییم این افراد بغض امیرالمؤمنین را در دل داشتند یا نداشتند!! این در حالی است که روایت:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونهم و يقاتلونهم»

واقعاً حرف درشتی است. از طرف دیگر «حاکم نیشابوری» در مورد سند روایت می‌گوید:

«صحيح على شرط الشيخين»

روایت صحیح است و شرایط صحیح مسلم و صحیح بخاری را هم دارد.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار
الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص
١٣٨، ح ٤٤٤٠

حال «ذهبی» در پاورقی مطالبی دارد، اما بنده نمی‌خواهم ذهن عزیزان مخاطب را با حرف نادرست او مشوش
کنم. همچنین در کتاب «توضیح الأفكار» اثر «صنعانی» جلد دوم روایتی وارد شده است که می‌گوید:

«والنصب بغض علی علیه السلام»

ناصبی کسی است که بغض علی (علیه السلام) را دارد.

الكتاب: توضیح الأفكار لمعانی تنقیح الأنظار، المؤلف: محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني،
الكللاني ثم الصنعاني، أبو إبراهيم، عز الدين، المعروف كأسلافه بالأمير (المتوفى: ١١٨٢ هـ)، المحقق:
أبو عبد الرحمن صلاح بن محمد بن عويضة، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى
١٤١٧ هـ / ١٩٩٧ م، ج ٢، ص ٢٥٢، مسألة: ٦٣ [في معرفة الصحابة]

همچنین در کتاب «مناقب ابن مردويه» صفحه ٣٢٠ ذیل آیه ٣٠ از سوره مبارکه محمد (صلی الله علیه و آله و
سلم):

(وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ)

هر چند می‌توانی از طرز سخنانشان آن‌ها را بشناسی.

سوره محمد (٤٧): آیه ٣٠

از قول «ابو سعید خدری» وارد شده است:

«قال: يبغضهم علي بن أبي طالب (رضي الله عنه)»

مناقب علي بن أبي طالب (ع) وما نزل من القرآن في علي (ع)، نویسنده: أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهانی، وفات: ۴۱۰، رده: مصادر انساب ومعاجم مختلف، خطی: خیر، تحقیق: جمعه ورتبه وقدام له: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، چاپ: الثانية، سال چاپ: ۱۴۲۴ - ۱۳۸۲ ش، ص ۳۲۰، ح ۵۳۲

به بیان بهتر مراد از (لَحْنِ الْقَوْل) در این آیه شریفه بغض علی بن ابی طالب است. همچنین در کتاب «تفسیر در المنثور» اثر آقای «سیوطی» جلد ۷ صفحه ۵۰۴ از قول «ابن مردویه» و «ابن عساکر» از «ابو سعید خدری» نقل شده است:

«فی قوله (ولتعرفنهم فی لحن القول) قال: يبغضهم علي بن أبي طالب»

در این روایت هم وارد شده مراد از حرف‌های نیش‌دار بغض علی بن ابی طالب است. در ادامه وارد شده است:

«وأخرج ابن مردويه عن ابن مسعود رضي الله عنه قال: ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله e إلا يبغضهم علي بن أبي طالب»

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۳، ج ۷، ص ۵۰۴، باب محمد: (۲۹ - ۳۲) أم حسب الذين... ..

آقای «صالحی شامی» در کتاب «سبل الهدی و الرشاد» ذیل این آیه شریفه بسیار مانور داده است. او در جلد یازدهم از این کتاب ذیل این آیه شریفه می‌گوید:

«يبغضهم: علي بن أبي طالب»

سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الصالحی الشامی، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۴ هـ، الطبعة: الأولى، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد

معوض، ج ۱۱، ص ۲۹۰، الباب العاشر فی بعض فضائل أمير المؤمنين أبي الحسن علی بن أبي طالب بن

عبد المطلب ابن هاشم بن عبد مناف القرشي الهاشمی

آقای «شوکانی» در کتاب «فتح القدير» جلد پنجم صفحه ۴۰ همین تعبیر را دارد و می‌گوید:

«ولتعرّفنهم فی لحن القول) قال ببغضهم علی بن أبي طالب»

فتح القدير الجامع بين فنی الرواية والدرایة من علم التفسیر، اسم المؤلف: محمد بن علی بن محمد

الشوکانی، دار النشر: دار الفكر - بیروت، ج ۵، ص ۴۰، باب محمد: (۳۱) ولنبلونکم حتی نعلم... ..

همچنین در کتاب «معجم الكبير» اثر «طبرانی» جلد ششم صفحه ۲۳۹ روایتی از قول سلمان به نقل از رسول

گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شده است که به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

می‌فرماید:

«مُجِبُّک مُجِبِّي وَمُبْغِضُک مُبْغِضِي»

دوست تو دوست من است و دشمن تو دشمن من است.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبرانی، دار النشر: مكتبة الزهراء -

الموصل - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفی، ج ۶، ص ۲۳۹، ح

۶۰۹۷

معنای فرمایش رسول گرامی اسلام این است که هرکسی بغض امیرالمؤمنین را در دل داشته باشد بغض

پیغمبر اکرم را در دل دارد. این مسئله به قدری وسیع است که روایات فراوانی در این خصوص بیان شده است.

در کتاب «مجمع الزوائد» جلد ۹ روایتی از سلمان نقل شده است که رسول گرامی اسلام فرمودند:

«مُجِبُّكَ مُبْغِضٌ وَمُبْغِضُكَ مُبْغِضِي»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علي بن أبي بكر الهيثمي، دار النشر: دار الريان للتراث/دار

الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - ١٤٠٧، ج ٩، ص ١٣٢، باب منه جامع فيمن يحبه ومن يبغضه

او در ادامه می‌گوید: «طبرانی» این روایت را نقل کرده است. راوی آن «عبدالملک طویل» است که «ابن حبان» او را توثیق کرده و «أزدی» او را تضعیف کرده است. سایر رجال او هم ثقه هستند.

«عبدالملک» می‌گوید: فرضاً کسی روایتی را توثیق کرد و دیگری آن را تضعیف کرد، روایت حسن می‌شود و معتبر است. همچنین در کتاب «تاریخ دمشق» جلد ٤٢ صفحه ٢٦٩ وارد شده است که رسول گرامی اسلام به امیرالمؤمنین فرمودند:

«مُجِبُّكَ مُبْغِضٌ وَمُبْغِضُكَ مُبْغِضِي»

تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن

الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٥، تحقيق: محب الدين

أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج ٤٢، ص ٢٦٩، ح ٤٩٣٣

ما در این مبحث روایت زیاد داریم و یک مورد یا دو مورد نیست. بنده عرض کردم که جناب آقای «صالحی شامی» در کتاب «سبل الهدی و الرشاد» جلد یازدهم نسبت به امیرالمؤمنین پرونده مفصلی را باز کرده است فضائل بی‌نظیر آن بزرگوار را مطرح کرده است.

او به قدری زیبا وارد شده است که انسان واقعاً لذت می‌برد. بنده تنها به بعضی از این روایات اشاره می‌کنم. او از «ابن مسیب» می‌گوید:

«ما كان أحد يقول: سلوني غير علي»

احدی غیر از علی نتوانست بگوید از من سؤال کنید.

«قال ابن عباس: أعطى على تسعة أعشار العلم، ووالله لقد شاركهم فى العشر الباقى»

ابن عباس می گوید: نود درصد علوم دین نزد علی بن ابی طالب است، و والله او در ده درصد دیگر علوم که میان مردم است شریک است.

«وروى ابن مردويه عن ابن مسعود - رضى الله تعالى عنه - قال: ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول

الله - e - 'إلا ببغضهم على بن أبى طالب'»

سپس می گوید:

«أن رسول الله قال: (اشتقت الجنة) وفى لفظ الجنة قد اشتقت إلى أربعة: على وسلمان وأبى وعمار بن

ياسر'»

رسول الله فرمودند: بهشت مشتاق چهار نفر از صحابه است: علی و سلمان و ابی بن کعب و عمار بن یاسر.

«أن رسول الله قال: 'أعلم الناس بعدى على بن أبى طالب'»

رسول الله فرمودند: عالمترین انسانها بعد از من علی بن ابی طالب است.

«أن رسول الله قال: 'إن الله - عز وجل - وأمرنى بحب أربعة' وفى لفظ 'إن الله - عز وجل - يحب من

أصحابى أربعة: وأخبرنى أنه يحبهم على منهم، وأبو ذر منهم، ومقداد وسلمان»

رسول الله فرمودند: خداوند عالم به من دستور داده تا چهار نفر از اصحابم را دوست داشته باشم: علی

بن ابی طالب، ابوذر، مقداد و سلمان.

«أن رسول الله رأى عليا فقال: ' أنا وهذا حجة على أمتي يوم القيامة '»

رسول الله به علی بن ابی طالب اشاره کردند و فرمودند: من و او حجت بر تمام امت من در قیامت هستیم.

«أن رسول الله قال: ' النظر إلى وجه علي عبادة '»

رسول الله فرمودند: نگاه کردن به چهره علی عبادت است.

«أن - رسول الله قال: ' النظر إلى علي عبادة '»

رسول الله فرمودند: نگاه کردن به علی عبادت است.

«أن رسول الله قال: ' من فارق عليا فارقتي، ومن فارقتني فارق الله '»

رسول الله فرمودند: هرکسی از علی جدا شود از من جدا شده است و هرکسی از من جدا شود از خداوند جدا شده است.

«أن رسول الله قال: ' من سب عليا فقد سبني، ومن سبني فقد سب الله '»

هرکسی به علی ناسزا بگوید به من ناسزا گفته است و هرکسی به من ناسزا بگوید به خدا ناسزا گفته است.

«وأحب من أحبه، وأبغض من أبغضه»

دوست بدارید هرکسی علی را دوست دارد و دشمن بدارید هرکسی علی را دشمن دارد.

سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الصالحى الشامى، دار النشر:

دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٤ هـ، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد

معوض، ج ۱۱، ص ۲۸۹ - ۲۹۴، الباب العاشر فی بعض فضائل أمير المؤمنين أبي الحسن علی بن أبي

طالب بن عبد المطلب ابن هاشم بن عبد مناف القرشي الهاشمي

این روایات نمونه‌ای از مطالبی بود که حکم بغض نسبت به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را در سنت رسول گرامی اسلام نشان می‌داد؛ البته بنده به بخشی از آن‌ها اشاره کردم.

اگر قرار باشد روایاتی که در مذمت بغض امیرالمؤمنین وجود دارد را بیان کنیم مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد.

مجری:

استاد حال سؤال دیگری به ذهنم رسید؛ ما می‌خواهیم ببینیم در منابع و کتب اهل سنت این مطلب آمده که بغض امیرالمؤمنین نشانه حرامزادگی است؟! این مطلب باید خیلی شدت داشته باشد!!

موضوع: بغض حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نشانه حرامزادگی است!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال بسیار پیچیده است و شاید اگر این سؤال مطرح نمی‌شد بهتر بود، اما بنده بدون هیچ اظهار نظری آنچه در کتب عزیزان اهل سنت نسبت به این مطلب آمده را بیان می‌کنیم.

البته ما اهل سنت را محب اهلبیت و امیرالمؤمنین می‌دانیم. من گمان نمی‌کنم شما در کره زمین یک شخص سنی پیدا کنید که با ویژگی‌های سنی نستجیر بالله بغض امیرالمؤمنین را در دل داشته باشد.

بنده معتقدم نود و پنج درصد وهابیت محب حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هستند. در طول تاریخ چنین بود که جز خوارج و بنی امیه کسانی وجود نداشتند که بغض امیرالمؤمنین را در دل داشته باشند.

به دلیل اینکه سؤال فرمودید باید بگویم که در کتاب «النهاية في غريب الحديث و الأثر» اثر «ابن اثیر جزری» متوفای ۶۰۶ روایتی وارد شده است. دقت داشته باشید که این شخص «ابن اثیر» صاحب کتاب «الکامل فی التاریخ» نیست، زیرا او متوفای ۶۳۰ است.

در جلد اول این کتاب روایتی از «ابو سعید خدری» نقل شده است که می‌گوید: ما منافقین را با بغض علی بن ابی طالب می‌شناختیم. او سپس می‌گوید:

«کنا نبور أولادنا بحب علی رضی الله عنه»

ما فرزندان خود را با حب علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) آزمایش می‌کردیم.

النهاية في غريب الحديث والأثر، اسم المؤلف: أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري، دار النشر: المكتبة العلمية - بيروت - ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي، ج ۱، ص ۱۶۱، باب بور

دقت داشته باشید در زمان گذشته آزمایشگاه دی ان ای نبود و آزمایشگاه مردم محبت و بغض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بود. همچنین در کتاب «لسان العرب» اثر «ابن منظور» جلد چهارم وارد شده است:

«کنا نبور أولادنا بحب علی، علیه السلام»

ما فرزندان خود را با حب علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) آزمایش می‌کردیم.

لسان العرب، اسم المؤلف: محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصری، دار النشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى، ج ۴، ص ۸۷، باب بور

این روایت در کتاب «تاج العروس» اثر «زبیدی» هم وارد شده است. در ماده «بور» وارد شده است:

«كُنَّا نُبُورُ أَوْلَادَنَا بِحُبِّ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ»

تاج العروس من جواهر القاموس، اسم المؤلف: محمد مرتضى الحسينى الزبيدى، دار النشر: دار الهداية،

تحقيق: مجموعة من المحققين، ج ١٠، ص ٢٥٧، باب بور

آقای «ابن مردویه» در کتاب «مناقب علی بن ابی طالب» صفحه ٧٦ از «أنس بن مالک» صحابی و خادم رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و می گوید:

اگر ما می خواستیم حلال زادگی فرزندان خود را مشخص کنیم او را با بغض علی بن ابی طالب امتحان می کردیم. اگر فرزند ما بغض علی بن ابی طالب را در دل نداشت می دانستیم که او حلال زاده است.

همچنین در کتاب «مناقب أسد الله الغالب» اثر «شمس الدین جزری» از قول «قبادة بن ثابت» وارد شده است:

«كنا نبور أولادنا بحب علي بن أبي طالب»

ما فرزندان خود را با حب علی بن ابی طالب آزمایش می کردیم.

«فإذا رأينا أحدهم لا يحب علي بن أبي طالب علمنا أنه ليس منا وأنه لغير رشده»

اگر می دیدیم یکی از فرزندان ما حب علی بن ابی طالب را در دل ندارند می فهمیدیم او فرزند ما نیست و حرام زاده است.

الكتاب: مناقب الأسد الغالب مُمزق الكتائب ومُظهر العجائب ليث بن غالب أمير المؤمنين أبي الحسن علي بن أبي طالب رضي الله عنه، المؤلف: شمس الدين أبو الخير ابن الجزري، محمد بن محمد بن يوسف (المتوفى: ٨٣٣ هـ)، المحقق: طارق الطنطاوي، الناشر: مكتبة القرآن، الطبعة: الأولى ١٩٩٤، ج ١،

ص ١٩، ح ١١

این روایات نشانگر این است که محبت و بغض حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نشانه حلال‌زادگی و غیر حلال‌زادگی است.

حال کسانی که واقعاً محبت امیرالمؤمنین را در دل دارند باید بر مادر خود بیالند، زیرا در روایت وارد شده است: اگر محبت ما اهل بیت را چشیدید بروید بر مادر خود دعا کنید، زیرا شما را از طریق حلال به دنیا آوردند.

شیعه، سنی و حتی مسیحیت امیرالمؤمنین را دوست دارند؛ ما مشاهده می‌کنیم مسیحیان زیادی در دنیا وجود دارند که آن بزرگوار را دوست دارند و عاشق او هستند.

«جورج جورداق» مسیحی در مورد شخصیت امیرالمؤمنین کتابی نوشته است که جزو کتب برتر در مورد آن بزرگوار است. همچنین «سلیمان کتانی» شخص مسیحی در مورد امیرالمؤمنین کتابی نوشته است که انسان واقعاً به بیان و قلم شیوای او غبطه می‌خورد.

بنابراین بحث امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) یک بحث فرامذهبی و فرادینی است. من در خدمت شما هستم.

مجری:

استاد از شما ممنون و متشکرم. خوشا به حال همه شما بینندگان عزیزمان و بزرگوارانی که برنامه ما را تماشا می‌کنند. عزیزان شیعه و اهل سنت که دل‌هایشان لبریز از محبت مولا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است؛ ان شاء الله این محبت گوارای وجودتان باشد!!

بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:

بسیاری از عزیزان هم لطف کردند برای ما پیام دادند. آقای هادی از مشهد مقدس از شما ممنون هستم.

آقای علی دلشادی از تبریز بزرگوار فرمودند و برای ما پیام فرستادند.

آقای علی قربانی برای ما پیام فرستادند که از ایشان ممنون و سپاسگذار هستیم.

از خانم خادمی ممنون و سپاسگذاریم.

برخی از دوستان مطالبی را بیان کردند، اما دیگر فرصت خواندن این مطالب را نداریم.

خانواده زمانی باب گهری حاضری خود را اعلام کردند؛ از شما خانواده عزیز که همیشه همراه «شبکه جهانی ولایت» همراه هستید ممنونیم.

آقای الهیاری از شما سپاسگذار هستم.

آقای قبادیان از تهران الهی عاقبت بخیر شوید.

خانم حبیبی لطف کردند و برای ما پیام فرستادند.

آقا رضا عزیز از تهران برای ما پیام فرستادند.

آقای علی معلمیان از مشهد مقدس و بسیاری از دوستان دیگر که همیشه همراه «شبکه جهانی ولایت» هستند برای ما پیام می‌دهند.

بنده اگر لایق باشم فردا عازم مشهد الرضا و حرم علی بن موسی الرضا (علیه السلام) هستم؛ حضرت استاد دعاگوی شما و همه دوستان خوب بیننده به ویژه دعاگوی عزیزان خارج از کشور هستم.

بنده می‌دانم وقتی اسم امام رضا امام رئوف می‌آید چه حالی به آن‌ها دست می‌دهد و دلشان راهی مشهد می‌شود. فردا در جوار حرم علی بن موسی الرضا (علیه السلام) دعاگوی همه شما هستم.

استاد یک سؤال دیگر بپرسم و شما به صورت مختصر و مفید بیان بفرمایید، سپس در خدمت دوستان خوب بیننده باشیم و تلفن‌هایشان را داشته باشیم.

غالباً زمانی که ما از این دست مطالب بیان می‌کنیم برخی از بینندگان می‌گویند: "این مطالب را از کتب شیعه هم بیان کنید تا دل ما بیشتر قرص شود!!"

استاد می‌خواهیم ببینیم روایتی در منابع خودمان، منابع شیعه هم در رابطه با بغض حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وجود دارد، یا خیر؟!

موضوع: حکم بغض صحابه نسبت به امیرالمؤمنین با استناد به کتب شیعه

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این روایات در کتب شیعه فراوان و با شدت بیشتری بیان شده است. در کتاب «عیون أخبار الرضا» جلد دوم صفحه ۶۰ روایتی از رسول گرامی اسلام بیان شده است که حضرت می‌فرماید:

«بُغْضُ عَلِيٍّ كُفْرٌ وَ بُغْضُ بَنِي هَاشِمٍ نِفَاقٌ»

بغض علی نشانه کفر است و بغض بنی هاشم نشانه نفاق است.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

۲، ص ۶۰، ح ۲۳۹

همچنین در کتاب «بحارالانوار» جلد نهم از کتاب «تفسیر علی بن ابراهیم» نقل می‌کند:

«إِنَّ آيَةَ الْمُنَافِقِ بُغْضُ عَلِيٍّ ع»

نشانه منافق بغض علی (علیه السلام) است.

«فَكَانَ قَوْمٌ يَظْهَرُونَ الْمَوَدَّةَ لِعَلِيِّ عِ عِنْدَ النَّبِيِّ ص وَ يَسِرُّونَ بُغْضَهُ»

افرادی نزد امیرالمؤمنین و رسول گرامی اسلام اظهار مودت می کردند، اما پشت سر بغض امیرالمؤمنین را در دل داشتند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹، ص

۲۱۴، ح ۹۲

قرآن کریم در توصیف این افراد می فرماید:

(أَلَا جِنَّةٌ يَسْتَعْشُونَ ثِيَابَهُمْ)

آگاه باشید آن گاه که آن ها لباس هایشان را بخود می پیچند و خویش را در آن پنهان می دارند.

سوره هود (۱۱): آیه ۵

این آیه وضعیت این افراد را به صورت مفصل بیان می کند. همچنین در کتاب «بحار الأنوار» جلد ۳۹ صفحه ۳۰۴ روایتی که «مسلم» در حدیث ۱۳۱ آورده بود را ایشان آورده است.

ایشان همچنین حدیث «ابو سعید خدری» را نقل کرده است و از قول رسول گرامی اسلام نقل می کند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَذْفَعُ الْقَطْرَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِبُغْضِهِمْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع»

اگر خداوند عالم بخواهد باران رحمت خود را از مردم محبوس کند به جهت بغض امیرالمؤمنین است.

همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَأْكُلُ الدُّنُوبَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»

محبت علی بن ابی طالب گناهان را نابود می کند همان طور که آتش هیزم را نابود می کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۳۹،

ص ۳۰۴، ح ۱۲۰

در روایت دیگری وارد شده است که رسول گرامی اسلام فرمودند:

«وَمَنْ أَبْغَضَنَا أَبْغَضَهُ اللَّهُ وَ أَسْكَنَهُ نَارَهُ وَ لَا يَجِبُنَا إِلَّا مَنْ طَابَ مَوْلِدُهُ»

هرکسی بغض ما را داشته باشد خداوند عالم بغض او را دارد و او را در آتش جهنم ساکن می‌کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۳۹،

ص ۳۰۶، ح ۱۲۲

در روایت دیگری وارد شده است که پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمودند:

«وَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَّبَ عَلَيْكَ»

وای بر کسی که بغض تو را داشته باشد و تو را دشمن بدارد.

«وَمَنْ أَبْغَضَكَ هَلَكَ»

هرکسی بغض تو را داشته باشد هلاک خواهد شد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۳۹،

ص ۳۰۶، ح ۱۲۴

در روایت دیگری وارد شده است:

«مَنْ مَاتَ وَ فِي قَلْبِهِ بَغْضٌ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا»

هرکسی بمیرد و در قلب او بغض علی بن ابی طالب باشد موقع مردن یا یهودی می‌میرد و یا نصرانی می‌میرد.

«یا عَلِیَّ لَا یَبْغِضُکَ مِنْ الرِّجَالِ إِلَّا مُنَافِقٌ»

یا علی! هرکسی بمیرد و بغض تو را داشته باشد قطعاً منافق هستند.

«وَمَنْ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ هِيَ حَائِضٌ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۳۹،

ص ۳۰۵، ح ۱۲۰

ما این سؤال را به صورت فشرده و خلاصه پاسخ دادیم.

مجری:

بسیار خوب، الهی شکر.

همین که نوکرم الحمدلله

گدای این درم الحمدلله

همین که با تمام رو سیاهی

محب حیدرم الحمدلله

السلام علیک یا أمین الله فی أرضه و حجه علی عباده السلام علیک یا أمیرالمؤمنین

الهی دلتان همیشه لبریز از عشق و ارادت و محبت به مولا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) باشد. زمانی که اسمش را می‌شنوید، نامش را می‌شنوید، فضائلش را می‌شنوید، القابش را می‌شنوید و از آن بزرگواری یاد می‌شود دل و جگر تان خنک می‌شود.

ان شاء الله همیشه این عشق و ارادت و محبت باشد و خداوند این محبت را از ما نگیرد. لحظه آخر زندگی و لحظه جان کندن هیچ چیزی نمی‌تواند به ما کمک کند و به فریاد ما برسد جز عشق و ارادت و محبت و ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه).

تماس بینندگان برنامه:

ما از این لحظه تا پایان برنامه که تقریباً ۱۵ دقیقه فرصت داریم پاسخگوی تلفن‌های شما عزیزان هستیم. اگر دوستان به صورت مختصر و مفید صحبت کنند می‌توانیم در این فاصله چند تلفن را پاسخ بدهیم.

سرکار خانم خسروی از سیری جان اولین بیننده برنامه ما هستند. آقای خسروی سلام به شما:

بیننده (خانم خسروی از سیری جان - شیعه):

عرض سلام و ادب خدمت حاج آقای قزوینی بزرگواری و حاج آقای اسماعیلی عزیز. بنده اول یک آیه از سوره مائده را خدمت شما می‌خوانم، بعد در مورد توسل توضیح می‌دهم.

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.

سوره مائده (۵): آیه ۳۵

موضوع مهمی که در این آیه مورد بحث قرار می‌گیرد دستوری است که درباره انتخاب وسیله بیان شده است. اصلاً ما مراد از خواندیم **(الْوَسِيْلَةَ)** که در این آیه وجود دارد، چیست.

(الْوَسِيْلَةَ) در اصل به معنای تقرب جستن برای چیزی که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌شود.

بنابراین **(الْوَسِيْلَةَ)** در این آیه شریفه معنای بسیار وسیعی دارد و هر کاری و هر چیزی که باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار می‌شود را شامل می‌شود.

مهم‌ترین مصداق **(الْوَسِيْلَةَ)** ایمان به خداوند متعال و رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، جهاد، عبادتی همچون نماز، زکات، روزه، زیارت خانه خدا و همچنین صله رحم و انفاق در راه خدا اعم از انفاق‌های پنهانی و همچنین هر کار خیر و نیکی را شامل می‌شود.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در کتاب شریف «نهج البلاغه» می‌فرمایند: بهترین چیزی که به وسیله آن می‌توان به خداوند نزدیک شد ایمان به خداوند متعال و پیامبر او و جهاد در راه خداوند است که قله کوهسار اسلام است.

اخلاص **«لا إله إلا الله»** همان فطرت توحید است، برپا داشتن نماز که آئین اسلام است، زکات که فریضه‌ای واجب است، روزه ماه مبارک رمضان که سپری در برابر گناه و کیف‌های الهی است.

همچنین حج عمره فقر و پریشانی را دور می‌کند و گناهان را می‌شوید و صله رحم که ثروت را زیاد می‌کند و عمر را طولانی می‌کند.

انفاق‌های پنهانی که جبران گناهان می‌نماید و انفاق آشکار که مرگ‌های ناگوار و بد را دور می‌کند و کارهایی که انسان را از سقوط نجات می‌دهد.

شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح خداوند که طبق صریح قرآن باعث تقرب به سوی پروردگار می‌گردد در مفهوم وسیع توسل داخل است.

همچنین پیروی از پیامبر و امام و گام نهادن در جای گام آن‌ها از این موارد است، زیرا همه این موارد موجب نزدیکی به ساحت قدس پروردگار می‌شود.

سوگند دادن خداوند متعال به مقام پیامبران و امامان و صالحان که نشانه علاقه به آن‌ها و اهمیت دادن به مقام و مکتب آن‌ها می‌باشد جزو این مفهوم وسیع توسل است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

موفق و مؤید باشید، ان شاء الله خداوند متعال به شما جزای خیر عنایت کند.

بیننده:

خواهش می‌کنم؛ اگر فرصت وجود دارد من ادامه بدهم.

مجری:

اگر مطالب خود را در یک دقیقه جمع کنید ممنونم.

بیننده:

در جای دیگری از قرآن کریم به خوبی در مورد توسل صحبت شده است که وسیله قرار دادن مقام انسان صالح در پیشگاه خداوند متعال و طلب چیزی از خداوند به خاطر او به هیچ وجه ممنوع نیست و منافات با توحید ندارد. در آیه ۶۴ از سوره مبارکه نساء وارد شده است:

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)

و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذاشتند) به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آن‌ها استغفار می‌کرد خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

سوره نساء (۴): آیه ۶۴

اگر ما گناهی می‌کنیم خداوند متعال به ما راه آمرزش و توبه نشان می‌دهد. اگر ما این کار را انجام ندهیم و به پیامبر اکرم توسل نکنیم نشانه منافقین را داریم. خداوند متعال در سوره مبارکه منافقون آیه ۵ می‌فرماید:

(وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُوا رُؤُوسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ)

هنگامی که به آن‌ها گفته شود بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند سرهای خود را (از روی استهزا و کبر و غرور) تکان می‌دهند، و آن‌ها را می‌بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می‌ورزند.

سوره منافقون (۶۳): آیه ۵

بنابراین ما با افتخار توسل می‌کنیم و هرکسی که از توسل رویگردان است صفت منافقین را دارد.

مجری:

خیلی عالی، خانم خسروی از شما ممنونم. ان‌شاءالله بیشتر عنایت داشته باشید مخصوصاً در تلاوت و قرائت آیات قرآن که آیه اشتباه خوانده نشود. از شما ممنونم، ان‌شاءالله موفق باشید.

بنده فقط یک نکته را به خانم خسروی یا دوستان خوب بیننده دیگر بگویم که طوری برنامه ریزی بفرمایید که این مطالب در زمان مشخص بیان شود. هدف ما این است که مطالب به صورت مختصر و مفید بیان شود.

طوری برنامه ریزی کنید که مشروعیت توسل از قرآن، سنت و سیره صحابه را مجموعاً در ۵ دقیقه بیان بفرمایید. به عنوان مثال از قرآن کریم یک آیه بفرمایید، از بحث سنت و سیره صحابه یک مورد بیان بفرمایید. اگر از هر کدام یک مورد بفرمایید تقریباً ۵ دقیقه کامل می شود. بازهم از سرکار خانم خسروی تشکر می کنیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خیلی عالی بود و قشنگ صحبت کردند.

مجری:

از ایشان ممنون و متشکریم. خدمت جناب آقای حبیبی از تهران سلام عرض می کنم.

بیننده (آقای حبیبی از تهران - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله؛ اگر اجازه بدهید می خواهم اثبات ولایت یگانه امیرالمؤمنین جهان اسلام را از قرآن و منابع اهل سنت عرض کنم.

مجری:

بفرمایید.

بیننده:

بسم الله الرحمن الرحيم. در قرآن کریم آیه ولایت وجود دارد که می فرماید:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يقيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آن‌ها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

آقای «طبری» در کتاب خود جلد ۶ صفحه ۳۹۰ می‌نویسد: این آیه درباره علی بن ابی طالب نازل شده است که او در حال رکوع صدقه داده است.

همچنین آقای «ابن ابی حاتم» در کتاب «تفسیر» خود جلد ۶ صفحه ۱۱۶۲ از «عتبة بن ابی حکیم» همین مطلب را نقل می‌کند.

«ابن تیمیه» درباره «تفسیر طبری» و «تفسیر ابن ابی حاتم» می‌گوید: تفاسیر آن‌ها از تفاسیری است که روایات نقل شده در آن‌ها در تفسیر قرآن کریم قابل اعتماد است.

آقای «آلوسی» در کتاب «روح المعانی» جلد ۶ صفحه ۱۶۷ درباره شأن نزول این آیه می‌گوید: اکثر صاحبان روایت بر این باور هستند که این آیه در مورد حضرت علی (علیه السلام) نازل شده است.

از دیدگاه بیشتر محدثین این آیه در مورد حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نازل شده است. این مطلب در کتاب «روح المعانی» جلد ۶ صفحه ۱۸۶ آمده است.

آقای «سیوطی» یکی از دانشمندان بزرگ اهل سنت در کتاب «الدر المنثور» جلد ۲ صفحه ۲۹۳ ذیل این آیه از «ابن عباس» نقل می‌کند که امیرالمؤمنین در حال رکوع بودند که سائلی از او تقاضای کمک کرد و آن حضرت انگشتر خود را به سائل صدقه داد.

پیامبر گرامی اسلام از سائل پرسید: چه کسی انگشتر را به تو صدقه داد؟! سائل به پیغمبر اکرم عرض کرد: آن مرد که در حال رکوع است. در این هنگام آیه نازل شد!!

آقای «واحدی» در کتاب «اسباب النزول» صفحه ۱۴۸ و آقای «زمخشری» در کتاب «تفسیر الکشاف» جلد یک صفحه ۶۴۹ این روایت را نقل کردند و تصریح کردند که آیه:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)

در مورد حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل شده است. همچنین آقای «فخر رازی» در کتاب «تفسیر» خود از «عبدالله بن سلام» نقل می‌کند:

هنگامی که این آیه نازل شد من به رسول خدا عرض کردم که با چشم خود دیدم علی بن ابی طالب انگشتر خود را در حال رکوع به نیازمندی صدقه داد. به همین دلیل ما ولایت علی بن ابی طالب را پذیرفتیم.

آیه دوم آیه شریفه ابلاغ است که خداوند متعال می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد.

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

«ابن ابی حاتم» در کتاب «تفسیر» خود از «ابو سعید خدری» نقل می‌کند که:

«نزلت هذه الآية يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك في علي بن ابى طالب»

تفسیر القرآن، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن محمد بن إدريس الرازي، دار النشر: المكتبة العصرية -

صيدا، تحقيق: أسعد محمد الطيب، ج ۴، ص ۱۱۷۲، ح ۶۶۰۹

همچنین آقای «آلوسی» در کتاب «روح المعانی» جلد ۶ صفحه ۱۹۶ نقل می‌کند که «ابن مردویه» از «ابن مسعود» نقل کرده است که ما در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این آیه را اینگونه می‌خواندیم: آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است که علی ولی مؤمنین است را به طور کامل به مردم ابلاغ کن و اگر چنین نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای.

آقای «سیوطی» این روایت را چنین نقل می‌کند: آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است که علی مولای مؤمنین است به طور کامل ابلاغ کن و اگر چنین نکنی رسالت خود را به طور کامل انجام نداده‌ای.

این روایت همچنین در کتاب «الدر المنثور» جلد ۲ صفحه ۲۹۸ و کتاب «فتح القدير» جلد ۲ صفحه ۶۰ و کتاب «المنار» جلد ۶ صفحه ۴۶۳ بیان شده است. آیه سوم آیه اکمال دین است که خداوند متعال می‌فرماید:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَنْتُمْ عَلَى كُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

سوره مائده (۵): آیه ۳

آقای «خطیب بغدادی» در کتاب «تاریخ بغداد» جلد ۸ صفحه ۲۸۴ با سند صحیح نقل می‌کند که این آیه بعد از معرفی امیرالمؤمنین در غدیر خم نازل شده است.

در این روایت وارد شده است که در روز غدیر خم زمانی که دست علی بن ابی طالب را گرفتند، فرمودند: آیا من سرپرست مؤمنان نیستم؟! همه گفتند: بله یا رسول الله. پیغمبر اکرم فرمودند: هرکسی که من مولای اویم، اینک علی بن ابی طالب مولای اوست.

بعد از این فرمایش رسول الله خلیفه دوم عمر بن خطاب گفت: تبریک تبریک تبریک فرزند ابی طالب، زیرا از این پس تو مولای من و مولای تمام مسلمانان هستی. در این حال آیه شریفه:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)

نازل شد. همچنین آقای «ابن کثیر» نقل کرده است که عمر بن خطاب به امیرالمؤمنین عرضه داشت:

«هنئنا لك يا ابن أبي طالب اصبحت اليوم ولي كل مؤمن»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج ٧، ص ٣٥٠، باب حديث غدیر خم

مجری:

آقای حبیبی از شما ممنونم.

بیننده:

بنده خیلی مطلب آماده کردم، حتی هنوز به روایت هم نرسیدم.

مجری:

بیننده دیگری به نام آقای علی رضا همشهری شما از تهران پشت خط ارتباطی هستند. ما از شما پذیرفتیم و قبول کردیم. از لطف و مرحمت شما ممنونیم، خیلی عالی بود. ما می دانیم که بخشی از روایات باقی مانده است، منتها باید مقداری مختصر و مفید مطالب را بیان کنید.

شما باید یک یا دو مورد آیه و یک یا دو مورد روایت بیان کنید که نهایت در ۵ دقیقه بتوانید بیان کنید، اما در مجموع از شما پذیرفتیم و قبول کردیم. از شما ممنونیم، ان شاءالله موفق باشید.

جناب آقای علی‌رضا از تهران بیننده بعدی برنامه ما هستند و فرصت برنامه ما هم خیلی کم است. آقا علی‌رضا سلام به شما:

بیننده (آقا علی‌رضا از تهران - شیعه):

سلام علیکم، وقت شما بخیر، خسته نباشید.

مجری:

خیلی متشکرم، ممنون.

بیننده:

خدمت حاج آقای قزوینی هم سلام عرض می‌کنم. بنده خدمت حاج آقای قزوینی سؤالی داشتم. خانم محترمی که با شما تماس گرفتند آیه‌ای را مطرح کردند که خداوند متعال می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)

من می‌خواستم اگر امکان دارد حاج آقا تصویر این آیه را روی صفحه مانیتور خود بیاورند، زیرا سؤالی برای من درباره این آیه به وجود آمده است. بنده می‌خواستم اگر امکان دارد حاج آقا به سؤال من در این زمینه پاسخ بدهند و مرا راهنمایی کنند.

مجری:

سؤال خود را بفرمایید.

بیننده:

امکان دارد حاج آقا این سؤال را روی صفحه لب تاب خود بیاورند؟!

مجری:

حاج آقا در حال سرچ کردن هستند. شما سؤال خود را بفرمایید.

بیننده:

طبق آنچه بنده حضور ذهن دارم خداوند متعال در ابتدای این آیه می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای تقرب و رسیدن به خداوند متعال وسیله‌ای بجوید.

مجری:

دوستان آیه را نشان دهید. الآن سؤالتان چیست؟!

بیننده:

بنده می‌خواستم بگویم در این آیه شریفه وارد شده است:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)

پیغمبر خاتم ما حضرت محمد مصطفی و حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم جزو مجموعه **(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا)** می‌شوند. اگر قرار باشد که ما حتماً برای تقرب به خداوند وسیله بجوییم این بزرگواران باید چه کسی را به عنوان وسیله انتخاب کنند؟!

وسيله‌ای که حضرت محمد مصطفی برای نزدیکی و رسیدن به خداوند متعال انتخاب می‌کند چه کسی است؟! ما شیعیان باید پیغمبر اکرم، اهل بیت و امیرالمؤمنین را باید به عنوان وسیله برای خودمان انتخاب کنیم؛ اما آیا این بزرگواران خود چه وسیله‌ای انتخاب می‌کنند؟!

مجری:

سؤالتان همین است؟!

بیننده:

سؤال همین بود و یک خواهش دیگری هم داشتم. بنده تلاش کردم این خواهش را طوری مطرح کنم که حاج آقا خدای نکرده سؤال مرا حمل بر بی ادبی نکنند.

بنده چند مرتبه به صورت اتفاقی شبکه‌های وهابی را مشاهده می‌کنم. این افراد یک سری کلیپ‌هایی پخش می‌کنند که وقتی به عنوان یک بیننده بی طرف این کلیپ‌ها را می‌بینم به نظرم می‌رسد هرچه آن‌ها می‌گویند واضح است و هیچ دفاعی نمی‌توانم از آن‌ها بکنم.

بنده از این طریق خواستم بگویم برای ما خیلی سخت است. در این شبکه‌ها دروغ‌هایی بیان می‌شود که انسان نمی‌تواند آن‌ها را رد کند؛ حاج آقا برای این دروغ‌ها فکری کنند و جوابی بدهند. وقتی انسان این دروغ‌ها را می‌شنود ناراحت می‌شود.

مجری:

آقا علی‌رضا از شما ممنون و متشکرم، خدانگهدارتان باشد. استاد وقتمان خیلی کم است، ابتدا سؤال اولشان را بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

برادر بزرگوارم ببینید اولاً نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) خود یکی از مقربان درگاه خداوند عالم است. بسیاری از آیاتی که ابتدای آن **(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا)** آمده شامل نبی گرامی اسلام نیست، بلکه خطاب به مؤمنین است. به عنوان مثال آیه شریفه:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گوئید که عمل نمی‌کنید؟

(كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ)

نزد خدا بسیار موجب خشم است.

سوره صف (۶۱): آیات ۲ و ۳

آیا می‌توانید بگویید که این آیه هم خطاب به رسول گرامی اسلام است؟! چنین نیست که هرکجا (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) آمد حتماً نبی گرامی اسلام هم خطاب آن آیه باشد؛ بلکه بسیاری از آیاتی وجود دارد که خطاب به عموم مؤمنین حاضر و مؤمنین تا قیام قیامت است.

ثانیاً رسول گرامی اسلام خود یکی از مقربان درگاه خداوند است. زمانی که مردم بخواهند به خداوند برسند به نبی گرامی اسلام احتیاج دارند؛ همو که:

«خَلَقَكُمْ اللَّهُ نُورًا فَجَعَلَكُمْ بَعْزُهُمْ مُخَدِّقِينَ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۹،

ص ۱۳۰، ح ۴

خداوند عالم نبی گرامی اسلام را از نور خود آفریده است و به فرمایش خود آن بزرگوار اولین چیزی که خداوند متعال خلق کرده نور ایشان بوده است و خلایق بعد از ایشان آفریده شده است. کسی که همواره در نزد خداوند متعال هست چه نیازی به واسطه دارد؟!!

ما که در اثر گناهان و غفلت خود دور هستیم نیازی به واسطه داریم، اما پیغمبر اکرم نیازی به واسطه ندارد.

ثالثاً ما در روایتی از کتاب «الدرر السنیه» اثر «زینی دهلان» داریم که نبی گرامی اسلام به هنگام دفن مادر امیرالمؤمنین حضرت فاطمه بنت آسد خدا را به حق خودش قسم داد و فرمود: خدایا به حق نبیت و به حق انبیاء گذشته او را ببخش.

مگر اشکالی دارد که کسی مقرب خداوند باشد، مردم به او واسطه شوند و خودش خود را واسطه نکند؟! چه اشکالی دارد که پیغمبر اکرم بفرمایند: "خدایا همانقدر که مرا دوست داری حاجت مرا برآورده کن!!" این همانند این است که فرزند نزد پدر خود می‌آید و می‌گوید: آیا من فرزند تو هستم یا نه؟! پدر می‌گوید: بله. فرزند می‌گوید: اگر فرزند تو هستم این حاجت مرا برآورده کن.

این بزرگواران عزیز دردانه خداوند متعال و نور جدا شده نور الهی جل جلاله هستند و هرآنچه از خداوند متعال بخواهند، خداوند به آن‌ها ارزانی می‌دارد. همان‌طور که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ الْأَنْبَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شَفَعَائِي»

خدایا اگر می‌دانستم نزدیک‌تر از محمد و آل محمد شفیع نزد تو وجود دارد آن‌ها را شفیع خودم قرار می‌دادم.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۹،

ص ۱۳۳، ح ۴

ما از این برادر بزرگوارمان تشکر می‌کنیم، اما در مورد شبکه‌های وهابی باید بگوییم به قول معروف جواب ابلهان خاموشی است!! زمانی که این افراد کلیپ درست می‌کنند در گفتار افراد دخل و تصرف می‌کنند.

به عنوان مثال زمانی که بنده در یکی از برنامه‌ها گفتم: «ابو لؤلؤ» که قاتل عمر بن خطاب بود در مدینه کشته شد و در بقیع دفن شد. بنده آدرس این روایت را از کتاب «بحار الأنوار» اثر آقای «مجلسی» جلد ۳۳ صفحه ۳۲ آوردم که در آنجا مفصل نقل شده است.

بنده در ادامه گفتم: «ابو لؤلؤ» که در کاشان مدفون است انسان صالح و متدینی بوده که مردم به او علاقه پیدا کردند و بعداً به عنوان «ابو لؤلؤ» شناخته شده است.

آقایان وهابی ابتدای کلام من را برداشتند و با دخل و تصرف کلیپی ساختند که من گفتم: "«ابو لؤلؤ» که قاتل عمر بن خطاب بود مردی صالح و متدین بود." با این حساب هرکسی این کلیپ را مشاهده می‌کرد خیال می‌کرد که بنده از قاتل عمر بن خطاب تمجید کردم.

کار این افراد چنین است. همچنین ما در رابطه با عایشه مطلبی را نقل کردیم و مطلبی را رد کردیم، اما این افراد نه نقل ما را می‌آورند و نه رد ما را می‌آورند و تنها تکه‌ای از مطالب ما را می‌آورند و مرتب پخش می‌کنند.

برادر بزرگوام از این قبیل کلیپ‌ها فراوان است. اگر ما بخواهیم به کلیپ‌های این آقایان پاسخ بدهیم باید تمام کارهای خود را کنار بگذاریم. شما یک هفته یا دو هفته برنامه‌های ما را ببینید و برنامه‌های آن‌ها را هم ببینید، سپس قضاوت کنید.

در این صورت خواهید دید کدام یک از این برنامه‌ها منطقی‌تر و مؤدبانه‌تر است، آن را بپذیرید.

مجری:

خیلی متشکرم. واقعاً چنین است؛ وهابیت تلاش می‌کنند طوری وانمود کنند که مطلبی بیان شده است، اما مطمئن باشید کلیپ‌هایی که ساخته می‌شود دخل و تصرف شده است.

وهابیت آن چیزی که خودشان می‌خواهند و هدفشان هست را از کلیپ درمی‌آورند و آن را پخش می‌کنند و سپس روی آن مانور می‌دهند.

همیشه به خاطر داشته باشید که این افراد دشمن هستند و دشمن دشمنی می‌کند. تکلیف دشمن کاملاً مشخص است بنابراین به هر ابزاری که شده متوسل می‌شوند تا دشمنی خودشان را نشان بدهند. از همه دوستان خوب بیننده ممنونم. استاد چند دعا بفرمایید، زیرا فرصت ما دیگر تمام شده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را به اسماء حسنایت، قرآن و کتابت، آبروی اولیائت، آبروی محمد و آل محمد، آبروی حمزه سیدالشهدا و حضرت عبدالعظیم حسنی قسم می‌دهیم فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان (ارواحنا له الفداه) را نزدیک بگردان و قلب نازنینش را با ظهورش مسرور بگردان.

خدایا قلب نازنین حضرت بقیة الله الأعظم را از ما خوشنود بگردان. خدایا ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بده. خدایا ما را مشمول دعاها و عنایات ویژه آن حضرت قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا گرفتاری‌های مورد نظر و گرفتاران مدنظر را به حق محمد و آل محمد برطرف بگردان.

خدایا حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبهه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً حوائج ولایت یاوران عزیز به حق محمد و آل محمد حوائج مورد نظر برآورده بفرما. خدایا دعا‌های ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته

مجری:

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خیلی ممنونم از همه شما دوستان خوب بیننده که امشب هم لطف و مهربانی کردید و برنامه زنده «حبل المتین» را تماشا کردید. بازهم معذرت خواهی می‌کنم که تلفن و پیامک زیاد است، اما همین مقدار فرصت داشتیم.

در پناه حضرت حق و زیر سایه حضرت مرتضی علی باشید.

التماس دعای خیر، خدانگهدار